کار- نان-آزادی
حکومت شورایی

کارگران سراسر جهان
متحد شوید!

سال چهل و هشتم ۲۵ آبان ۱۴۰۵ | سازمان فدائیان (اقلیّت) | شماره ۱۱۹۵

نفوذی‌ها

درحالی‌که بن‌بست جنگ و نزاع فرسایشی میان دولت‌های آمریکا و جمهوری اسلامی ادامه دارد، این جنگ اوضاع داخلی طرفین نزاع را پیوسته وخیم‌تر کرده است. مردم دو کشور آمریکا و ایران که می‌دانند این جنگ ارتجاعی نزاعی بر سر توسعه‌طلبی و اهداف و مقاصد سیاسی و اقتصادی طرفین درگیر در این ماجراست ، مخالفت خود را به اشکال مختلف با این جنگ و ادامه آن ابراز داشته‌اند. علاوه بر این، یکی از نتایج جنگ در درون این هر دو کشور، تشدید تضاد میان جناح‌ها و فراکسیون‌های رقیب طبقه حاکم بوده است . نتیجه این تشدید تضادها و رقابت جناح‌ها در آمریکا هم‌اکنون پس از انتخابات میان‌دوره‌ای این کشور بر همگان روشن‌شده است.

در ایران اما، کشوری که دیکتاتوری عریان و افسارگسیخته بر آن حاکم است و تضاد میان جناح‌های طبقه حاکم نمی‌تواند خود را به شکلی که در آمریکا نشان داد، آشکار سازد، در اشکالی دیگری ازجمله ، تهدیدهای امنیتی و پلیسی یا بسیج گروه‌های مزدور خیابانی باندها علیه یکدیگر و تهدید به محاکمه، زندان و حتی اعدام بروز یافته است. این کشمکش اکنون در شکل منازعه میان باندهایی که برای نجات رژیم از مخمصه جنگ و بحران‌های نا علاج، خواهان توافق و سازش با آمریکا هستند و گروه‌هایی که خواستار ادامه جنگ‌اند، شکلی آشکار به خود گرفته است.

یکی از ابزارهایی که در این کشمکش و نزاع توسط یک جناح علیه جناح دیگر به کار گرفته‌شده و هم‌اکنون نزاع بر سر عملکرد آن متمرکزشده است، سازمان‌دهی و به‌کارگیری گروهای مزدوراست که با برپائی تجمعات شبانه و راهپیمایی‌های روزانه، به اهداف این جناح خدمت می‌کنند.

رژیم‌هایی که فاقد پایگاه اجتماعی در میان مردم

درصفحه ۲

جان کارگران، قربانی بی‌مسئولیتی و سیاست‌های ضدکارگری جمهوری اسلامی!

درصفحه ۸

COP31: اقلیم در چنبره سرمایه و قدرت

بحران اقلیمی به یکی از میدان‌های اصلی رقابت اقتصادی، صنعتی و ژئوپلیتیکی قدرت‌های سرمایه‌داری جهانی تبدیل شده است. درحالی‌که دانشمندان درباره نزدیک‌شدن جهان به آستانه‌های خطرناک گرمایش زمین هشدار می‌دهند، دولت‌ها که در کنفرانس‌های اقلیمی از ضرورت کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و گذار به انرژی پاک سخن می‌گویند، برای حفظ بازارها، منابع انرژی، صنایع راهبردی و موقعیت سیاسی خود رقابت می‌کنند. سی‌ویکمین کنفرانس تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد (COP31)، که ۹ نوامبر ۲۰۲۶(۱۸ آبان ۱۴۰۵) در آنتالیا آغاز شد، نمونه روشنی از این تناقض است.

طبق اعلام وزارت محیط‌زیست ترکیه، ۱۰۲ مقام عالی‌رتبه از ۹۵ کشور و هفت سازمان بین‌المللی برای شرکت در اجلاس رهبران دعوت شده‌اند. بااین‌حال، غیبت هیات رسمی دولت

درصفحه ۳

مزد کارگر و دعاوی پوچ سخنگویان و کارگزاران سرمایه

درصفحه ۵

باید نقطه پایانی بر این نظم ظالمانه گذاشت

افزایش دامنه و شدت تحریم‌های اقتصادی همراه با محاصره دریایی، و تا حدودی محاصره هوایی و زمینی ایران، تأثیرات منفی زیادی بر اقتصاد ایران گذاشته است. تأثیراتی که به‌ویژه کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه آن را در وخیم‌تر شدن شرایط زندگی روزمرمشان با تمام وجود لمس می‌کنند.

برای ما مدافعان توده‌های تحت ستم ایران، برای کارگران و دیگر زحمتکشان ایران موضوع بسیار مهم این است که تمام بار این وضعیت بسیار بحرانی از سوی دولت به بی‌رحمانه‌ترین شکلی بر دوش آن‌ها آوار شده است. واقعیتی غیرقابل انکار که در ادامه به آن می‌پردازیم.

صادرات نفت براساس داده‌های موسسات بین‌المللی به صفر رسیده است. صادرات پتروشیمی و فولاد نیز که از جمله مهم‌ترین کالاهای صادراتی ایران هستند کاهش بسیار شدیدی یافته‌اند. جدا از تأثیر کاهش

درصفحه ۱۰

به‌خاطر حقوق پایان ماه

معصومه پس از ماه‌ها بیکاری «از سر ناچاری» در یک شرکت نیمه‌خصوصی استخدام شد. مدیر «به‌ظاهر خوش‌برخورد» مرتب برایش جلسهٔ خصوصی می‌گذاشت و در آن جلسه‌ها، به‌جای کار، روایت‌هایی با محتوای جنسی تعریف می‌کرد که هیچ ارتباطی با کار نداشت. معصومه یک روز «آن‌قدر خسته شد که گریه‌اش گرفت» و به استعفا فکر کرد، «ولی فقط به‌خاطر حقوق پایان ماه آن وضعیت را تحمل کردم». این جملهٔ آخر، کل مسئله را در خود دارد: آزار جنسی در محیط کار ایران فقط یک رفتار فردی نیست؛ در بستری از وابستگی اقتصادی و نابرابری قدرت رخ می‌دهد و همین بستر است که آن را

درصفحه ۷

پیام شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست به کنفرانس چهارم شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان

درصفحه ۸

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

از صفحه ۱

نفوذی‌ها

یک کشورند، معمولاً سوای نیروهای مسلح و سرکوب خود، می‌کوشند با سازمان‌دهی افراد و عناصر مزدور بی طبقه، آن‌ها را با پرداخت حقوق‌های بالا، دادن امتیازات و بر عهده گرفتن مخارج هنگفت اقداماتشان، این گروه‌ها را به نام مردم علیه مردم بسیج کنند و اهداف خود را بدین طریق نیز پیش ببرند و عملی سازند .

اگر به ماجرای بسیج این مزدوران در ایران، در جریان جنگ نظری بیفکنیم وقتی‌که جنگ ۴۰ روزه آغاز شد، طبقه حاکم از آنجائی که می‌دانست در میان مردم ایران پایگاهی ندارد و این احتمال هست که توده‌های مردم ناراضی و مخالف جنگ به قیام برای سرنگونی رژیم ستمگر حاکم برخیزند، تلاش کرد با سازمان‌دهی این گروه‌های مزدور که بخشی از آن‌ها را نیز بسیجی‌های وابسته به سپاه پاسداران تشکیل می‌دهند، تمام نیرو و امکانات خود را برای تسخیر خیابان‌ها و ایجاد جو رعب و وحشت بسیج کند. تمام جناح‌ها و باندهای درونی طبقه حاکم در این سازمان‌دهی و بسیج نیرو برای پاسداری از رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی نقش داشتند. اما با فرسایشی شدن جنگ و کشمکش میان جناح‌ها بر سر ادامه جنگ یا توافق و سازش ، این تجمعات به ابزار تسویه‌حساب میان جناح‌ها نیز تبدیل شدند. لذا تجمعاتی که قرار بود با تائید تمام جناح‌ها ابزاری برای سرکوب مردم ایران باشد، اکنون به عرصه‌ی جنگ و جدال جناح‌های هیئت حاکمه نیز تبدیل‌شده‌اند.

این گروه‌های مزدور که حالا افسارشان در دست جناح طرفدار ادامه جنگ قرارگرفته، علاوه بر وظیفه قبلی‌شان علیه مردم، در برنامه‌ریزی این جناح علیه گروه‌های رقیب به کار گرفته می‌شوند. گروه‌هایی از آن‌ها تجمع‌های شبانه در خیابان‌ها و میادین برخی شهرها برپا می‌کنند و علیه جناح رقیب سخنرانی می‌کنند و شعار سر می‌دهند . گروهی دیگر از آن‌ها به شکل زنان کفن‌پوش در خیابان‌ها به راه می‌افتند ، در مقابل مراکز کار و زندگی افراد سرشناس جناح رقیب، حتی مؤسسات دولتی تجمع برپا می‌کنند و شعارها و سیاست جناح طرفدار ادامه جنگ را پیش می‌برند. آن‌ها در شعارهایشان خواهان برکناری پزشکیان و وزیر خارجه وی شده‌اند. در جلو ساختمان وزارت امور خارجه رژیم تجمعات مکرر برپا کرده و علیه عراقچی شعار سر داده‌اند. آن‌ها در تجمعات خود همچنین علیه قالیباف رئیس مجلس ارتجاع اسلامی نیز که رهبری گروه موسوم به اصول‌گرایان جدید را بر عهده دارد، شعار سر داده‌اند. برخوردشان با گروه‌های موسوم به اصلاح‌طلب‌های سابق و سران گروه‌های سیاسی وابسته به خاندان رفسنجانی، از نمونه حزب اعتدال و توسعه و کارگزاران در سطح دیگری است. آن‌ها در مقابل خانه‌های حسن روحانی، ظریف و دیگران تجمعاتی برپا کرده و خواهان دستگیری و محاکمه آن‌ها به‌عنوان عوامل نفوذی دولت آمریکا شده‌اند. همچنین خواستار تغییر ترکیب شورای عالی امنیت ملی رژیم و اخراج طرفداران مذاکره و سازش شده‌اند.

آن‌ها اخیراً از سپاه پاسداران و ارتش خواسته‌اند که برای جلوگیری از کودتا و ترور رهبرشان، فعال‌تر وارد عمل شوند. در همین حال برای مرعوب کردن مردم به‌ویژه در تهران دست به اقدامات جدید زده و در خیابان‌ها و مراکزی که محل تجمع مردم به‌ویژه جوانان است، تجمعات اوباش گرایانه خود را برپا می‌کنند و شعار سر می‌دهند. جدیدترین اقدام آن‌ها نیز ساختن نمونک‌های سران گروه‌های رقیب و اعدام نمادین آن‌ها در تجمعاتشان است. گروه‌ها و نهادهائی که مستقیم و غیرمستقیم حامی آن‌ها هستند، جریان موسوم به اصول‌گرای تحت رهبری جلیلی ، جبهه موسوم به پایداری ، سرکردگان دستگاه مذهبی‌اند که از حمایت سپاه پاسداران، پلیس، دستگاه قضائی و امنیتی و تبلیغاتی رژیم نیز برخوردارند.

در بحبوحه این اختلاف و رقابت جناح‌های رژیم، در ۱۱ آبان ماه، انتشار خبری از سوی دستگاه قضائی، به گروه‌های مختلف جناحی که خواستار مذاکره و سازش با آمریکا هستند، اما نقش و تأثیرگذاری خود را در سازمان‌دهی و برپائی تجمعات گروه‌های مزدور ازدست‌داده، این امکان را داد که یک پاتک گسترده تبلیغاتی را از طریق نشریات و صفحات اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی درافشای این تجمع‌کنندگان و گردانندگان پشت‌صحنه آن‌ها به‌عنوان عوامل نفوذی دشمن آغاز کنند و مستقیم و غیرمستقیم خواهان برچیده شدن بساط آن‌ها ازخیابان‌ها شدند.

در ۱۱ آبان، خبرگزاری میزان وابسته به دستگاه قضائی رژیم ،خبر از بازداشت یک زن انتشار داد که به ادعای این خبرگزاری، »تحقیقات اولیه نشان می‌دهد که زن بازداشت‌شده در سازمان‌دهی تجمعات در زمان‌های غیرمتعارف و تعیین‌شده، به‌منظور منحرف کردن خواسته‌های به‌حق مردم از محورهای اصلی و به حاشیه راندن این مطالبات، فعالیت داشته است. «او، به دنبال سوق دادن شعارها از دشمن به داخل کشور و ایجاد تفرقه و بحران بوده است. این فرد در سال‌های ۱۳۸۸، ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ بازداشت‌شده است و همکاری او با گروهی به نام تندر و جمشید شارمهد مربوط می‌شود. او پس از" وقایع ۱۸ و ۱۹ دی" به‌صورت زمینی از کشور خارج و به ارمنستان رفته ملاقات‌هایی داشته و سپس بازگشته است.

در پی این خبر، روزنامه‌ها و شبکه‌های اجتماعی وابسته به گروه‌های طرفدار مذاکره پاتکی گسترده را به این گروه‌ها آغاز کردند که نشان دهند این گروه‌های سازمان‌یافته ابزاردست دشمنان جمهوری اسلامی هستند و منابع مالی تأمین این گروه‌ها و تجمعات آن‌ها که سر به مبالغ بسیار کلانی می‌زند، مشکوک است و باید روشن شود.

روزنامه جمهوری اسلامی نوشت:

دشمن در برابر شکست‌هایش برای همیشه منفعل نمی‌ماند و راهی را برای جبران پیدا می‌کند. برای مقابله با حرکت مردمی که به سلاحی کارآمد در برابر توطئه سنگین دشمن تبدیل‌شده بود، آمریکا و رژیم صهیونیستی به نفوذ در تجمعات و منحرف کردن مسیر متوسل شدند به‌طوری‌که حتی شعارهای مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل د این تجمعات به مرگ بر فلان مسئول فعلی و فلان مسئول سابق تبدیل شدند.

اطلاعاتی که از پشت پرده ضدیت‌ها با مذاکره و شعار دادن‌ها علیه مسئولین به‌دست‌آمده حکایت از دخالت عوامل نفوذی بیگانگان باهدف ایجاد تفرقه در صفوف ملت و اختلال در اقدامات مبتنی بر دیپلماسی و مانع‌تراشی بر سر راه تلاش‌هایی که برای پایان دادن به جنگ صورت می‌گیرد دارند. "

روزنامه اعتماد نوشت:

صداي اعتراض از مقابل ساختمان‌هاي دولتي و محل رفت‌وآمد ديپلمات‌ها، به نزديكي مراكز نظامي رسيده و دايره مخاطبانش را تا فرماندهان سپاه و ارتش گسترش داده است. اگر تا ديروز فقط روحاني و ظريف و رئيس دولت وقت هدف حملات تندروها بودند حالا دايره وسيع‌تر شده و شكل تجمعات نيز تغييراتي جدي داشته؛ زناني كفن‌پوش كه روزي با شعار مخالفت با مذاكره و مطالبه انتقام به خيابان آمدند، حالا در برابر فرماندهان نظامي نيز شعار مي‌دهند و از آنان مي‌خواهند در برابر آنچه »تهديد جان رهبر انقلاب «مي‌خوانند، سكوت نكنند.

فرودگاه مهرآباد صحنه ديگري روند مذاكرات و توافق احتمالي ايران و امريكا در مهرآباد تجمع كردند و عليه مسعود پزشكيان و عباس عراقچي شعار دادند. شعارهايي مانند »مرگ بر مسئولان نفوذي«، »مرگ بر مسئولان بي‌غيرت «و »ما

درصفحه ۶



از صفحه ۱

COP31: اقلیم در چنبره سرمایه و قدرت

آمریکا از نکات مهم این نشست است. دولت آمریکا برای دومین سال متوالی هیئت رسمی به کنفرانس اعزام نکرده است و تنها شماری از مقام‌های ایالتی و محلی این کشور در آنتالیا حضور دارند.ترامپ سیاست‌های اقلیمی مورد حمایت کنفرانس را ناسازگار با اولویت‌های اقتصادی و انرژی خود می‌داند. یک مقام کاخ سفید بر اجرای برنامه سلطه انرژی آمریکا تأکید کرده و افزوده است: «سیاست‌های افراطی اقلیمی به اقتصاد کشورها آسیب می‌رسانند.»

در سوی دیگر، دولت چین با اعزام هیئتی شامل حدود ۱۰۲۱ نماینده به سرپرستی هان ژنگ، معاون رئیس‌جمهور و نماینده ویژه شی جین‌پینگ، حضور سیاسی و اقتصادی پررنگی در COP31 دارد. موضع اعلام‌شده چین بر چند محور استوار است: حمایت از گذار جهانی به انرژی پاک، تأکید بر مسئولیت تاریخی کشورهای صنعتی در کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، مطالبه اجرای تعهدات مالی آن‌ها و مخالفت با محدودیت‌های تجاری علیه فناوری‌های پاک چینی. چین همچنین اعلام کرده است تا سال ۲۰۳۰، سهم انرژی‌های غیرفسیلی در تولید برق را به ۵۰ درصد و سهم برق در مصرف نهایی انرژی را به ۳۵ درصد خواهد رساند.

چین، پس از سال ۲۰۲۰ به بزرگ‌ترین تولیدکننده پنل‌های خورشیدی و خودروهای برقی جهان تبدیل شده و در صنایع باتری و تجهیزات خورشیدی نیز ظرفیت تولید گسترده‌ای ایجاد کرده است. این کشور همچنین اعلام کرده که از طریق طرح «کمربند خورشیدی آفریقا»، انتقال فناوری، آموزش نیروی انسانی و همکاری با «کشورهای درحال‌توسعه» را گسترش خواهد داد. بااین‌حال، سیاست انرژی این کشور همچنان متناقض است. طبق آمار رسمی دولت چین، در سال ۲۰۲۵ حدود ۲۱٫۷ درصد از کل مصرف انرژی این کشور از منابع غیرفسیلی تأمین شده است؛ این رقم در سال ۲۰۲۴ حدود ۱۹٫۸ درصد بود. در همان سال، زغال‌سنگ ۵۱٫۴ درصد، نفت ۱۸٫۲ درصد و گاز طبیعی ۸٫۷ درصد از مصرف انرژی چین را تأمین می‌کردند. بنابراین، با وجود رشد سریع انرژی خورشیدی و بادی، همچنان نزدیک به ۸۰ درصد مصرف انرژی این کشور از سوخت‌های فسیلی تأمین می‌شود.

شرکت‌های چینی ظرفیت تولیدی عظیمی ایجاد کرده‌اند که در برخی بخش‌ها از تقاضای داخلی فراتر رفته است. صادرات به بازارهای خارجی به این شرکت‌ها امکان می‌دهد بخشی از فشار ناشی از رقابت شدید و کاهش حاشیه سود را جبران کنند. افزون بر صادرات کالا، سرمایه‌گذاری شرکت‌های چینی در ایجاد کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی در جنوب شرق آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین نیز گسترش یافته است. به این ترتیب، توسعه فناوری پاک هم‌زمان به ابزار گسترش بازار، سرمایه‌گذاری خارجی و افزایش نفوذ اقتصادی چین تبدیل شده است. آمریکا و اروپا، با وضع تعرفه‌های تجاری علیه پنل‌های خورشیدی، توربین‌های بادی، باتری‌های ذخیره انرژی و خودروهای برقی چین به مقابله برخاسته‌اند. چین، از یک سو هزینه فناوری‌های پاک را کاهش داده و دسترسی کشورهای مختلف به پنل خورشیدی، باتری و خودروهای برقی را آسان‌تر کرده و از سوی دیگر، از طریق سرمایه‌گذاری در استخراج و فرآوری مواد معدنی مورد نیاز این صنایع در کشورهای عمدتا فقیر، منابع طبیعی این کشورها را غارت می‌کند.

روسیه در این اجلاس بر «بی‌طرفی فناوری» تأکید کرده و افزوده است که نباید یک فناوری مشخص، مانند انرژی خورشیدی یا بادی، به همه کشورها تحمیل شود و هر کشور باید متناسب با ساختار اقتصادی، منابع طبیعی و توانایی‌های خود مسیر کاهش انتشار را انتخاب کند. روسیه همچنین با «تبدیل مقررات اقلیمی به ابزار فشار تجاری علیه صادرات کشورها» مخالفت کرده است.

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، در سخنرانی خود در ۱۱ نوامبر در اجلاس آنتالیا خواستار تقویت سازوکاری برای ارزیابی و جبران خسارات زیست‌محیطی ناشی از اقدامات نظامی شد. او بدون این که به نقش سیاست‌های حکومت در تخریب محیط زیست در ایران اشاره کند، اعلام کرد که بر اساس ارزیابی‌های انجام‌شده، حمله به تأسیسات سوخت در عسلویه موجب انتشار حدود ۵۰۰ هزار تن دی‌اکسیدکربن و حمله به مخازن سوخت اطراف تهران باعث انتشار یک میلیون تن از این گاز شده است.

ترکیه، میزبان اجلاس، خواستار افزایش سهم برق در مصرف انرژی جهان به ۳۵ درصد تا سال ۲۰۳۵ شده است. سهم کنونی برق کمی بیش از یک‌پنجم برآورد می‌شود. بااین‌حال، افزایش سهم برق به‌خودی‌خود به معنای کاهش انتشار نیست. زیرا اگر برق مورد نیاز از نیروگاه‌های زغال‌سنگ و گاز تأمین شود، هدف کاهش آلودگی هوا و گرمایش زمین، محقق نخواهد شد. در همین حال، کشورهای جزیره‌ای که با خطر مستقیم بالا آمدن سطح دریاها روبه‌رو هستند، خواستار کاهش سریع‌تر انتشار گازهای گلخانه‌ای شده‌اند. کشورهای آسیب‌پذیر نیز تأکید دارند که منابع مالی مقابله با خشکسالی، سیل و پیامدهای تغییر اقلیم باید قابل پیش‌بینی و ترجیحاً به شکل کمک بلاعوض باشد، نه وام‌هایی که بدهی خارجی آن‌ها را افزایش می‌دهد.

متهم بر مسند قاضی

کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، افزایش سهم برق پاک، کاهش انتشار متان، تأمین مالی کشورهای آسیب‌پذیر و دستیابی به هدف محدودکردن گرمایش زمین به ۱٫۵ درجه سانتی‌گراد از موضوعات اصلی اجلاس‌اند. در کنار این مسائل، افزایش مصرف انرژی ناشی از گسترش هوش مصنوعی و مراکز داده نیز به موضوعی تازه در مذاکرات تبدیل شده است. رشد تعداد مراکز داده و کاربردهای هوش مصنوعی تقاضای برق را افزایش می‌دهد و برق لازم با سوخت‌های فسیلی تأمین شود، به افزایش انتشار گازهای گلخانه‌ای منجر شود.

نشست COP31در حالی برگزار می‌شود که تعهدات اقلیمی نشست‌های قبلی بر روی کاغذ مانده‌اند و اختلاف بر سر تأمین مالی، همچنان یکی از مهم‌ترین موانع دستیابی به توافق‌های مؤثر است. کشورهای فقیر استدلال می‌کنند که کشورهای صنعتی به دلیل سهم تاریخی بیشتر در انتشار گازهای گلخانه‌ای باید مسئولیت مالی بیشتری در مقابله با بحران بر عهده بگیرند. هدف پیشنهادی تأمین سالانه ۳۰۰ میلیارد دلار تا سال ۲۰۳۵ برای کمک به کشورهای فقیر و آسیب‌پذیر همچنان با ابهام‌هایی روبه‌روست. از جمله اینکه چه میزان از این منابع به‌صورت کمک بلاعوض و چه میزان در قالب وام پرداخت خواهد شد که به افزایش بدهی خارجی کشورهای آسیب‌پذیر منجر می‌شود.

در حالی که گزارش‌هایی درباره کاهش حضور رهبران عالی‌رتبه سیاسی در آنتالیا منتشر شده، انحصارات نفتی و شرکت‌های مرتبط با سوخت‌های فسیلی حضور قابل‌توجهی در اجلاس دارند. ۱۰۳ شرکت و گروه مرتبط با منافع سوخت‌های فسیلی، از جمله شرکت‌های نفتی، بانک‌ها و گروه‌های صنعتی، در نشست حضور دارند. بر اساس گزارشی که روزنامه گاردین منتشر کرده، شمار این گروه‌ها در برخی موارد از نمایندگان هیئت‌های کشورهای آسیب‌پذیر در برابر تغییرات اقلیمی بیشتر است. این شرکت‌ها گرچه حق رأی رسمی در مذاکرات ندارند، اما از طریق حضور به‌عنوان ناظر یا عضو هیئت‌های ملی، ملاقات با مذاکره‌کنندگان، ارائه پیشنهادها، ارتباط با دولت‌ها و لابی‌گری بر روند تدوین سیاست‌ها و متن توافق‌ها تاثیر می‌گذارند.

آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل، در سخنان خود مستقیماً صنعت سوخت‌های فسیلی و لابی‌های قدرتمند آن را هدف قرار داد. او استدلال‌های مدافعان سوخت‌های فسیلی را فروپاشیده دانست و گفت زمان آن رسیده است که این حامل‌های انرژی همانند دایناسورها به تاریخ بپیوندند. او با اشاره‌ای کنایه‌آمیز افزود که دایناسورها به این دلیل منقرض شدند که لابی نداشتند، اما سوخت‌های فسیلی از حمایت لابی‌های ثروتمند و نفوذ در ساختار قدرت برخوردارند.

در چنین شرایطی، آنچه در نشست آنتالیا جریان دارد، بیش از آنکه نشانه شکل‌گیری اراده‌ای مشترک برای مهار بحران اقلیمی باشد، بازتاب تلاقی منافع اقتصادی، بحران و تناقض‌های سیاست بین‌الملل است. گزارش‌ها و داده‌های علمی ارائه‌شده در اجلاس هشدار می‌دهند که با سیاست‌های فعلی، جهان نه‌تنها در مسیر مهار گرمایش در محدوده ۱٫۵ درجه سانتی‌گراد قرار ندارد، بلکه ممکن است تا پایان قرن با افزایش دمای حدود ۲٫۸ درجه روبه‌رو شود. موج‌های گرمای شدید، خشکسالی، سیل و دیگر رخدادهای جدی آب‌وهوایی، پیامدهای این مسیر را بیش از پیش آشکار کرده‌اند.

حضور صنایع نظامی و جنگ‌ها برای بازتقسیم بازار نیز نباید در تغییرات اقلیمی نادیده گرفته

درصفحه ۴

از صفحه ۳

COP31: اقلیم در چنبره سرمایه و قدرت

شود. صنایع نظامی فقط از طریق مصرف سوخت جنگنده‌ها، تانک‌ها، ناوها و تجهیزات نظامی در انتشار گازهای گلخانه‌ای سهم ندارند. تولید تسلیحات، استخراج مواد اولیه، صنایع فولاد و مواد شیمیایی، پایگاه‌ها و زیرساخت‌های نظامی، زنجیره تأمین و بازسازی پس از جنگ نیز ردپای کربنی و زیست‌محیطی گسترده‌ای ایجاد می‌کنند. بر اساس یک پژوهش منتشرشده در سال ۲۰۲۲، سهم صنایع نظامی و جنگ‌ها در انتشار جهانی کربن بیش از ۷ درصد برآورد شده است. این برآورد از طریق سوخت تجهیزات نظامی، صنایع تسلیحاتی و زنجیره تولید، پایگاه‌ها و زیرساخت‌های نظامی، جنگ و بازسازی پس از آن محاسبه شده است.

بخش‌هایی از کشورهای موسوم به جنوب جهانی، هم‌زمان محل استخراج منابع طبیعی برای بازار جهانی، استقرار صنایع آلاینده و فعالیت‌های پرمصرف آب و انرژی و تحمل هزینه‌های سلامت، تخریب خاک، آلودگی آب و نابودی معیشت‌های محلی‌اند. در مقابل، بخش مهمی از ارزش افزوده و سود زنجیره‌های جهانی تولید و مصرف در مراکز اقتصادی ثروتمندتر متمرکز می‌شود. جنوب آسیا، خاورمیانه و بخش‌هایی از آفریقا از کانون‌های اصلی آلودگی هوا هستند، اما اگر تخریب جنگل‌ها، آلودگی آب، استخراج معادن، پسماند صنعتی و ردپای مصرف نیز در نظر گرفته شود، ابعاد نابرابری بسیار گسترده‌تر خواهد بود. یکی از سازوکارهای انتقال هزینه‌های زیست‌محیطی از شمال به جنوب، انتقال تولید آلاینده به کشورهای صادرکننده و واردات کالاهایی است که با مصرف بالای انرژی و منابع طبیعی تولید شده‌اند. در این وضعیت، آلودگی صنعتی، استخراج مواد خام، مصرف آب و تخریب زیست‌بوم‌ها در کشورهای تولیدکننده متمرکز می‌شود، درحالی‌که کالا و ارزش اقتصادی آن در بازارهای جهانی مصرف می‌شود.

این مسئله در اعتراض‌های اجتماعی پیرامون COP31بازتاب یافته است. روز ۱۰ نوامبر، فعالان محیط زیست، در مقابل ورودی منطقه رسمی اجلاس تجمع کردند و خواستار برنامه‌ای مشخص برای پایان‌دادن به استفاده از زغال‌سنگ، نفت و گاز، حرکت به‌سوی انرژی صددرصد تجدیدپذیر، تأمین مالی عادلانه گذار انرژی در کشورهای درحال‌توسعه و جلوگیری از تحمیل بدهی بیشتر به کشورهای فقیر شدند. شعار اصلی آن‌ها «پایان سوخت‌های فسیلی، گذار عادلانه، تأمین‌مالی‌شده و دائمی» بود. شبکه اقدام اقلیمی (Climate Action Network)، متشکل از بیش از ۷۰۰ سازمان در ۸۸ کشور و شامل اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌های بومی، جنبش‌های زنان، گروه‌های جوانان و سازمان‌های محیط‌زیستی نیز در ۱۱ نوامبر خواستار ایجاد سازوکار اجرایی برای گذار عادلانه شد. حمایت از حقوق کارگران و ایجاد مشاغل با دستمزد و شرایط مناسب، اختصاص منابع مالی و فنی برای تغییر ساختار صنایع، مشارکت واقعی اتحادیه‌ها و جوامع محلی در تصمیم‌گیری و رعایت حقوق مردم بومی و گروه‌های آسیب‌پذیر از خواسته‌های اصلی این شبکه بود .

فاجعه آلودگی محیط زیست در ایران

نشست COP31 در شرایطی برگزار می‌شود که ابعاد بحران سلامت ناشی از تخریب محیط‌زیست در ایران فاجعه‌بار است. بر اساس آمار اعلام‌شده از سوی معاون وزیر بهداشت، در سال ۱۴۰۳، آلودگی محیط زیست به مرگ ۵۸ هزار و ۹۷۵ تن منجر شده است، یعنی به‌طور متوسط ۱۶۱ مرگ در روز. بیماری ایسکمیک قلب، سرطان ریه، سکته مغزی و عفونت‌های دستگاه تنفسی از علل اصلی این مرگ‌ها عنوان شده‌اند. نرخ مرگ ناشی از آلودگی محیط زیست در خوزستان، سیستان و بلوچستان، اصفهان، خراسان رضوی و تهران بالاتر از سایر نقاط کشور است و به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر در خوزستان ۲۰۲ نفر، در سیستان و بلوچستان ۱۹۴ نفر، در اصفهان ۱۷۴ نفر، در خراسان رضوی ۱۵۴ نفر و در تهران ۱۴۵ نفر گزارش شده است.

بحران محیط‌زیستی ایران در مناطق مختلف شکل‌های متفاوتی دارد. در تهران، الگوی شهرنشینی و حمل‌ونقل در آلودگی هوا نقش مهمی دارند، در خوزستان، پیوند صنعت نفت و گاز با سلامت عمومی برجسته است، در اصفهان، توسعه صنایع سنگین و فشار بر منابع طبیعی اهمیت دارد، و در سیستان و بلوچستان، تخریب زیست‌بوم با محرومیت تاریخی و نابرابری منطقه‌ای درهم‌تنیده است. در مناطق صنعتی و نفت‌خیز، از جمله عسلویه و پارس جنوبی، تمرکز صنایع پتروشیمی، پالایشگاه‌های گاز و تولید کودهای شیمیایی فشار مضاعفی بر محیط‌زیست وارد کرده است.

بحران محیط‌زیستی ایران به آلودگی هوا محدود نمی‌شود بلکه خشک‌شدن دریاچه ارومیه و تالاب‌ها، فرسایش خاک و گسترش کانون‌های گردوغبار، آلودگی منابع آب با فاضلاب شهری و صنعتی، ورود فلزات سنگین و آلاینده‌های کشاورزی، انتشار آلاینده‌ها از صنایع نفت و پتروشیمی، سوزاندن گازهای همراه نفت، دفن غیراصولی زباله و سوزاندن پسماندها، همگی سلامت عمومی و شرایط زندگی را تهدید می‌کنند.

هزینه‌های تخریب محیط‌زیست، از آلودگی و بیماری تا نابودی معیشت، بر دوش مردم قرار دارد، و اعتراض اجتماعی به وضعیت محیط زیست امنیتی قلمداد می‌شود

بازداشت فعالان محیط‌زیست در سال ۲۰۱۸ یکی از نمونه‌های روشن این وضعیت بود. اعضای مؤسسه حیات‌وحش میراث پارسی، با اتهام‌هایی از جمله جمع‌آوری اطلاعات محرمانه بازداشت شدند. کاووس سیدامامی در زندان «خودکشی» شد. در تابستان ۱۴۰۰، اعتراض‌های خوزستان با کمبود آب و خشک‌شدن منابع آبی آغاز شد، اما در بستر نارضایتی‌های انباشته درباره مدیریت آب، انتقال آب، آلودگی و محرومیت منطقه‌ای گسترش یافت. در اصفهان نیز اعتراض کشاورزان و شهروندان به خشک‌شدن زاینده‌رود و سیاست‌های آبی در آبان ۱۴۰۰ با برخورد نیروهای امنیتی، بازداشت و گزارش‌هایی از اختلال اینترنت همراه شد.

بحران در رابطه انسان با طبیعت است

واقعیت این است که سیاست اقلیمی در جهان معاصر صرفاً عرصه تقابل طرفداران و مخالفان محیط‌زیست نیست، بلکه به میدان رقابت میان دولت‌ها، بلوک‌های سرمایه، صنایع و قدرت‌های ژئوپلیتیکی تبدیل شده است. از همین رو، بحران اقلیمی را نمی‌توان صرفاً با تغییر نوع سوخت یا جایگزینی چند فناوری حل کرد، درحالی‌که منطق سازمان‌دهی تولید و توزیع ثروت بدون تغییر باقی بماند. در نظامی که تولید اساساً برای سودآوری و گسترش سرمایه سازمان می‌یابد، طبیعت به‌مثابه منبع مواد خام و مخزنی برای دفع پسماند تلقی می‌شود. رقابت میان بنگاه‌ها آن‌ها را به کاهش هزینه تولید، افزایش بهره‌وری و گسترش مداوم سرمایه وادار می‌کند. اگر یک بنگاه با استخراج بیشتر، تخریب محیط‌زیست یا انتقال هزینه‌های آلودگی به جامعه بتواند محصول ارزان‌تری عرضه کند، سایر بنگاه‌ها نیز زیر فشار رقابت به همان سمت رانده می‌شوند.

در نظم کنونی حاکم بر جهان، سوخت‌های فسیلی فقط منابع انرژی نیستند. حول آنها مجموعه‌ای از منافع و قدرت‌ها شکل گرفته است :شرکت‌های نفت، گاز و زغال‌سنگ، بانک‌ها و مؤسسات تأمین مالی، زیرساخت‌های پالایش، پتروشیمی، خطوط انتقال و حمل‌ونقل، و دولت‌هایی که درآمدشان به این صنایع وابسته است.

بحران زیست‌محیطی، در عین حال بحرانی در رابطه جامعه با طبیعت و در مناسبات اجتماعی تولید است. تولید ثروت مادی تنها حاصل کار انسان نیست. زمین، آب، هوا، جنگل‌ها، مواد معدنی و انرژی نیز شرایط ضروری تولید را فراهم می‌کنند. بهره‌برداری از این منابع برای رفع نیازهای انسانی اجتناب‌ناپذیر است، اما مسئله تعیین‌کننده این است که این بهره‌برداری تحت چه مناسباتی، با چه هدفی و با چه میزان توجه به امکان بازتولید طبیعت انجام می‌شود. در نظام سرمایه‌داری، منابع طبیعی و ابزارهای تولید در اختیار اقلیت محدودی قرار دارد که تصمیم‌هایشان بر اساس کسب سود بیشتر در کوتاه‌مدت گرفته می‌شود و هزینه‌های تخریب به جامعه و نسل‌های آینده منتقل خواهد شد. در مقابل، حفظ شرایط طبیعی زندگی مستلزم آن است که تصمیم‌گیری درباره زمین، آب، انرژی، صنایع و شیوه تولید از انحصار صاحبان منافع اقتصادی خارج شود و در کنترل تولیدکنندگان قرار گیرد. یعنی جامعه‌ای که تولیدکنندگان در آن بتوانند آگاهانه و به‌صورت جمعی درباره استفاده از منابع، زمین و شرایط تولید تصمیم بگیرند.

زنده باد سوسیالیسم

از صفحه ۱

مزد کارگر و دعاوی پوچ سخنگویان و کارگزاران سرمایه

محمدرضا عارف معاون پزشکیان در سخنان اخیر خود در یزد، سعی کرد گرانی اجناس و نرخ فزاینده تورم را به گردن کارگران بیندازد و این ادعای پوچ را مطرح کرد که افزایش دستمزد باعث گرانی و افزایش تورم می‌شود.وی گفت:" وقتی حقوق کارگر را در سال ۱۴۰۵، ۶۰ درصد افزایش می‌دهید، قیمت‌ها باید ۶۰ درصد، ۵۰ درصد یا ۳۰ درصد اضافه شود. این را نمی‌شود کاری کرد. یعنی ما یک سیکل معیوب را از ابتدای انقلاب دنبال کردیم که مورد تأکید قانون است. قانون می‌گوید هر سال افزایش دستمزدها متناسب با تورم باشد" وی درپایان سخنان خود گفت" باید جلوی این سیکل معیوب گرفته شود".

اینکه یک مقام بالای دولتی سعی کند گرانی‌ها و تورم افسار گسیخته را برگردن کارگران انداخته و تیرهای زهر آلودی به سمت طبقه کارگر پرتاب کند، یک امر بدیهی است و جای تعجب ندارد. جازدن و وانمود کردن مزد و افزایش مزد به عنوان علت گرانی و افزایش تورم نیز امر جدیدی نیست. از همان زمانی که قانون کار تصویب و به اجرا گذاشته شده، همواره ازاین نمونه ادعاها نیز عنوان شده است. این تلاش‌ها و ادعاها اما عموماً در اواخر هرسال و هروقت، زمان و بحث تعیین حداقل دستمزد می رسید مطرح می شد و همزمان بحث هایی پیرامون تغییر مکانیسم تعیین حد اقل دستمزد نیز به میان می‌آمد. گرچه هنوز زمان تعیین حد اقل دستمزد نرسیده و بحثی در این مورد نشده، اما گرانی کالاها و تورم غیر قابل مهار به حدی تشدید شده که آه و فغان و فریاد نارضایتی کارگران و عموم توده های مردم از وضع موجود از هرسو بلند است و اوضاع جامعه، به شدت انفجاری است. در چنین شرایطی، معاون رییس جمهور آدرس غلط می دهد، با این تصور باطل که شاید ازمسؤلیت خود و دولت حاکم در قبال گرانی‌ها و تورم و اوضاع آشفته اقتصادی بکاهد و در همین رابطه فرمان "جلوگیری" از"سیکل معیوب" را صادر می‌کند.

ببینیم این سیکل چی هست و کجای آن معیوب است؟

مطابق ماده ۴۱ قانون کار و تبصره های آن، شورای عالی کار هرسال باید متناسب با نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی، حداقل دستمزد کارگری را تعیین یا اضافه کند.این حد اقل دستمزد باید به اندازه ای باشد که هزینه زندگی یک خانوار کارگری را تأمین کند.

اما به جرئت می توان گفت که درطول تمام سال های بعد از تصویب و اجرای قانون کار، هیچ‌گاه این معیارها رعایت نشده است. چرا که اولاً هیچ زمانی نرخ تورم واقعی ملاک و معیار نبوده است. بانک مرکزی هرساله رقمی را به عنوان نرخ تورم اعلام نموده که بسیار کمتر از نرخ تورم واقعی بوده است. ثانیاً تقریباً در تمام موارد، شورای عالی کار حتی همین رقم ساختگی و قلابی بانک مرکزی را نیز لحاظ نکرده است. ثالثاً شورای عالی کار هرگز هزینه واقعی یک خانوار کارگری را ملاک قرار نداده است. ازهمین رو دستمزدهای کارگری هرساله ازمیزان تورم عقب‌تر بوده و افزایش دستمزد در برابر افزایش قیمت ها و رشد تورم، فوراً خنثی شده و اوضاع معیشتی کارگر، به حالت قبل از آن بازگشته است. انباشت این عقب افتادگی دستمزد از تورم، طی بیش از چهاردهه، چنان دره ی عمیقی میان هزینه ها و دستمزدهای کارگری ایجاد کرده است که به این سادگی‌ها پر نمی‌شود. دستمزدهای کارگری اسماً اضافه شده اما در عالم واقعی، کارگر با دستمزد خود در هرسال قادر نبوده به همان میزان کالاهایی که سال قبل می توانست تهیه کند، بخرد. این یعنی آنکه دستمزد کارگر واقعاً کمتر شده، قدرت خرید کارگر کاهش یافته و خانواده کارگری فقیر و فقیرتر شده است. در تمام سالهای بعد از تصویب و اجرای قانون کار، تعیین و افزایش حداقل دستمزد توسط شورای عالی کار، درواقع مکانیسم کاهش دستمزد واقعی بوده است. هم اکنون نیز صحبت از این هست که مزد کارگران برای سال ۱۴۰۶ حدود ۳۵ درصد اضافه شود. این درحالیست که مرکز آمار نرخ تورم را حدود ۸۹ درصد اعلام نموده است. این یعنی اینکه دستمزدها ۵۴ (۳۵ – ۸۹) درصد نسبت به تورم عقب تر خواهد بود و بدین ترتیب لایه ضخیم عقب افتادگی مزد از تورم باز هم ضخیم تر می‌شود. کاهش مکرر و مداوم دستمزد کارگران با عنوان جعلی افزایش حد اقل دستمزد، این است آن سیکل معیوبی که باید برچیده شود.

حال صحت و سقم ادعای عارف معاون رییس جمهور را که افزایش مزد باعث افزایش تورم می‌شود مورد بررسی قرار دهیم.

سرمایه‌داران برای افزایش سود خود و کاهش دستمزد از دیر باز این ادعا را عنوان کرده و می کنند که افزایش دستمزد منجر به گرانی و افزایش تورم می‌شود. سخنگویان و کارگزاران سرمایه نیز پیوسته همین ادعا را تکرار نموده و مدعی اند هر درصدی که دستمزد اضافه شود قیمت کالا و نرخ تورم نیز به همان نسبت افزایش پیدا می‌کند.

اولاً در تمام کشور های سرمایه‌داری سهم مزد از قیمت تمام شده کالا ناچیز است. در جمهوری اسلامی به دلیل ارزانی فوق‌العاده نیروی کار، سهم مزد از قیمت تمام شده کالا بسیار اندک و ناچیز است. گرچه در جمهوری اسلامی آمار و برآورد رسمی از سهم مزد ازقیمت تمام شده کالا تا کنون انتشار نیافته است، اما مطابق برخی برآورد های مستقل، سهم مزد از قیمت تمام شده کالا در ایران رقمی بین ۴ تا ۶ درصد است.

مجیدرضا حریری، سرمایه دار، رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین و نماینده بخش کارفرمایی در گفتگو با خبر آنلاین، سهم مزد از قیمت تمام شده را حدود ۷ درصد اعلام کرد. بنابراین اگر به فرض، دستمزد ۱۰۰ درصد اضافه شود، تنها هفت درصد به قیمت تمام شده کالا از ناحیه دستمزد اضافه می‌شود.عارف ادعا می‌کند ۶۰ درصد به دستمزد اضافه کنی قیمت ها هم ۶۰، ۵۰، ۳۰ درصد اضافه می شود. که این ادعا کاملاً پوچ و بی‌پایه است. با ۶۰ درصد اضافه دستمزد تنها ۲ / ۴ درصد به قیمت تمام شده کالا اضافه می‌شود و نه ۶۰، ۵۰ و یا ۳۰ درصد ادعایی عارف! وانگهی مردم شاهدند که در سال ۱۴۰۵ برقیمت بسیاری از کالاها صد درصد و حتی بیشتر از آن هم افزوده شده است!

گرچه شماره‌های پیشین نشریه کار از جمله کار شماره های ۵۹۳ و ۶۶۰ مطالبی در اثبات پوچ بودن دعاوی امثال عارف و بی ربطی ادعای سرمایه‌داران و تئوری‌پردازان آن‌ها درج نموده و راز دروغ بزرگشان را فاش ساخته است، اما در این جا نیز به اختصار به این موضوع و به علت اصلی مخالفت آن‌ها با افزایش دستمزدهای کارگری اشاره می‌کنیم.

ابتدا ببینیم مزد، که سرمایه داران ومدافعان نظام سرمایه داری تا این حد نسبت به آن از خود حساسیت نشان داده و با افزایش آن مخالفت می‌کنند چیست و علت این مخالفت کدام است؟

مزد عبارت است از پولی که سرمایه‌دار در ازای خرید نیروی کار کارگر به وی می پردازد. دستمزد چنانکه پیش از این اشاره شد بخش ناچیزی(حدود ۵ درصد) از هزینه تولید را به خود اختصاص می‌دهد. دستمزد در واقع قیمت نیروی کار و معادل مخارج تولید و بازتولید آن است. مخارج تولید نیروی کار عبارت است از هزینه‌های لازم برای تولید و حفظ کارآیی نیروی کار و یا توانایی انجام کار به وسیله کارگر (اعم از مخارج وسائل معیشتی یا آموزشی و فرهنگی، یعنی کل هزینه‌های تولید برای نگهداری و تولید مجدد کارگر به مثابه موجود زنده و به مثابه درجه کاردانی و مهارت). نیروی کار که توسط سرمایه‌دار خریده و در جریان تولید مصرف می‌شود، سرمایه متغیر نامیده می‌شود. بخش دیگر هزنیه تولید، مربوط به مواد خام، فرسودگی ماشین‌آلات، ساختمان، برق و امثال آن است که اصطلاحاً به آن سرمایه ثابت می‌گویند. تمام آنچه که به آن سرمایه ثابت گفته می‌شود و در جریان تولید کالا وارد و مصرف می‌شوند، ارزش خود را به کالای جدید انتقال می‌دهند. نیروی کار نیز مانند هر کالای دیگری دارای ارزشی‌ست که به وسیله کار اجتماعی لازم برای تولید و باز تولید آن تعیین می‌شود. اما خاصیت منحصر به فرد این کالا (نیروی کار) این است

درصفحه ۶

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

از صفحه ۵

مزد کارگر و دعاوی پوچ سخنگویان و کارگزاران سرمایه

که مصرف آن در جریان تولید، سرچشمه ارزش جدیدی می‌شود که بالاتر و بیشتر از ارزش خود (نیروی کار) است. این همان ارزش اضافی است که سرمایه‌دار آن را تصاحب می‌کند و در واقع همان سودی‌ست که سرمایه‌دار بر سرمایه خود اضافه و آن را انباشت می‌کند. این جا در واقع تبادل بین کارگر و سرمایه‌دار، تبادل کالاهای هم ارزش نیست. سرمایه‌دار تنها بخشی از ارزش جدیدی را که نیروی کار آفریده است به عنوان دستمزد به کارگر می‌پردازد و مابقی آن را به جیب خود می‌ریزد. روشن است که هر چقدر هزینه خرید نیروی کار کم‌تر باشد و هر چقدر مخارج تولید نیروی کار کم‌تر باشد، ارزش اضافی و سود سرمایه‌دار بیشتر است. به عبارت دیگر دستمزد کارگر و سود سرمایه‌دار رابطه‌ای معکوس با یکدیگر دارند. به نسبتی که دستمزد افزایش پیدا کند، سود سرمایه‌دار کم‌تر می‌شود و برعکس!

بنابر این اگر سرمایه‌دار بخواهد دستمزد کارگر را زیاد کند، راهی ندارد جز آن‌که بخشی از ارزش اضافی را به کارگر پس بدهد و اندکی از سود خود بکاهد. افزایش دستمزد تنها و تنها موجب کاهش سود سرمایه‌دار می‌شود و هیچ ربطی به افزایش تورم و افزایش قیمت کالاها ندارد. کنه مساله اما این است که سرمایه‌دار حاضر نیست از سود خود بزند و دستمزد را اضافه کند. برعکس او همواره می‌کوشد از مزد کارگر بکاهد و بر سود خویش بیفزاید. این است راز اصلی مخالفت سرمایه‌داران با افزایش دستمزد و راز تمام تئوری‌پردازی‌های پوچ نمایندگان فکری و سخنگویان آن‌ها. این ادعا که افزایش دستمزد، موجب افزایش قیمت کالاها می‌شود مطلقا حرف بی‌پایه‌ای‌ست و هر کس این را می‌داند که بهای کالا، به حسب ارزش کار اجتماعاً لازمی که صرف آن شده است تعیین می‌شود و نه بر مبنای کم و زیاد شدن دستمزد. سرمایه‌داران حاکم و سخنگویان ریزودرشت آن‌ها ادعا می‌کنند به نسبتی که حداقل دستمزد افزایش پیدا کند، تورم هم افزایش پیدا می‌کند. اما آن‌ها نمی‌گویند چرا میزان تورم در تمام طول این سال‌ها بیشتر از نرخ افزایش دستمزد اضافه شده است و دستمزد هرسال، نسبت به میزان تورم عقب‌تر مانده است؟ نمی‌گویند که در دوران جنگ ایران و عراق، در سال‌های ۵۹ الی ۶۳، مدت ۵ سال که دستمزدهای کارگری حتا یک ریال یا یک درصد هم اضافه نشد، چرا طبق آمارهای رسمی، تورم در این سال‌ها از ۱۰ /۴ الی ۵/ ۲۳ درصد افزایش یافت. سال‌های ۶۴ و ۶۵ نیز علی‌رغم ثابت ماندن دستمزدها، تورم تا ۲۳ /۷ درصد افزایش یافت و بالاخره در سال‌های ۶۷ و ۶۸ نیز که ایضاً هیچ درصدی بر دستمزدها اضافه نشد، رقم تورم به ۲۸ /۹ رسید.

بنابراین، استدلال‌های نخ نمای سرمایه‌داران و کارگزاران رنگارنگ آن‌ها، بی‌پایه‌تر از آن است که بتواند موضوع عدم افزایش حداقل دستمزد را توجیه و آن را بر کارگران ایران تحمیل کند. کارگران ایران که با دستمزد چند برابر زیر خط فقر، در بدترین شرایط اقتصادی و معیشتی بسر می‌برند ، خواهان افزایش دستمزد به بالای خط فقر هستند که در لحظه حاضر ۹۰ میلیون تومان برآورد شده است.

این واقعیت برکسی پوشیده نیست که شورای عالی کار("نوکرسرمایه دار") در اساس نهادی برای تنظیم قانونی دستمزدهای کارگری در زیر خط فقر، کاهش مداوم و بی سروصدای مزد واقعی و قدرت خرید کارگران و تضمین استثمار حداکثری طبقه کارگر است. کارگران بیش از چهاردهه، عملکرد ضد کارگری این نهاد را با گوشت و پوست خود لمس نموده و کمترین اعتمادی به آن و تصمیماتش در زمینه تعیین حداقل دستمزد ندارند. اوضاع و شرایط معیشتی و اقتصادی کارگران و خانواده‌های کارگری مدام بدتر و وخیم‌تر شده است. عموم کارگران به این واقعیت تلخ پی‌برده‌اند که دستمزدها بطور واقعی افزایش داده نمی‌شود. حتی اگر اندکی و درصد ناچیزی افزایش داده شود، با توجه به روند افزایش قیمت ها و رشد تورم، بلافاصله این افزایش خنثی و شرایط معیشتی دوباره به حالت قبل از افزایش دستمزد و حتی بدتر از آن بر می‌گردد. کارگران به این موضوع پی‌برده‌اند که از قانون کار و شورای عالی کار هیچ معجزه‌ای ساخته نیست. شورای عالی کار، ابزار دست طبقه سرمایه‌دار و دولت این طبقه است برای تشدید استثمار طبقه کارگر. اما مشکل اصلی، شورای عالی کار نیست. مشکل، قانون کار و وزارت کار و امثال آن هم نیست. مشکل حتی تبلیغ نظریه پردازان بورژوازی و عناصری چون عارف و دروغ‌ها و دعاوی پوچ وی هم نیست. مشکل اصلی خود نظامی است که این شرایط و امکان را در اختیار طبقه سرمایه‌دار قرار داده تا با استفاده ازنهادهای قانونی و مکانیسم تعیین حداقل دستمزد، استثمار حد اکثری طبقه کارگر را سازمان دهد و با تشدید استثمار کارگران بر سودهای افسانه‌ای خود بیفزاید. از این‌رو در شرایط کنونی بسیار بجا و ضروریست که مبارزه برای افزایش دستمزد را با مبارزه علیه رژیم و نظم حاکم گره بزنیم. ازیاد نبریم که رهایی کارگران در گرو فراتر رفتن مبارزه از چارچوب های صرفاً اقتصادی و معیشتی و در گرو به زیر کشیدن نظم موجود است.

از صفحه ۲

نفوذی‌ها

مسئول بي‌غيرت نمي‌خواهيم« در ادامه، دامنه انتقادها گسترده‌تر شد و نام محمدباقر قاليباف رئيس مجلس، عبدالناصر همتي و برخي ديگر از اعضاي دولت نيز در شعارها و شعارنوشته‌های اين گروه ديده شد. مطالبه برکناري پزشکيان مطرح شد. به‌اين‌ترتيب، بااين‌حال، نقطه عطف تازه در تجمع مقابل مراکز نظامي رقم خورد. شعار »سپاه پاسداران، تهديد جان آقا، حاشا به غيرت ما« روزنامه‌ی اطلاعات هشدار داد که تبديل فضای همدلی به ميدان تسويه‌حساب‌های سياسی، نه‌تنها موجب کاهش مشارکت عمومی شده، بلکه انسجام ملی را نيز به مخاطره می‌اندازد.

رويداد۲۴ پای تأمين منابع مالی و هزينه کلان بيش از ۲۵۰ روز اين تجمعات را به ميان کشيد و از مشکوک بودن اين منابع سخن گفت و خواستار روشن شدن آن شد.

روزنامه آرمان ملی نيز در گزارشی با عنوان "ميتينگ انتخاباتی تندروها در ميدان خالی؟ " نوشت: تريبون‌های شبانه قرار بود محلی برای تقويت انسجام ملی باشد؛ اما هر چقدر از روزهای ابتدايی فاصله گرفتيم، ديديم که اين تجمعات از سوی جريان خاص تندرو مصادره شد و اهداف شکل‌گيری آن به کل تغيير کرد. شرق نيز در گزارش‌هايی با عناوين "تندروها اين بار عليه اهل خانه" و "نگرانی از انحراف تجمعات" تأکيد کرد که رفتار جريان تندرو را ديگر نمی‌شود صرفاً با اختلاف معمول جناحی توضيح داد اين موضع‌گيری‌ها و درگيری‌ها همچنان ادامه دارد.

حالا هر دو طرف نزاع، تبديل به نفوذی و عامل دشمن شده‌اند. جمهوری اسلامی دست به هر اقدامی که می‌زند، تبديل به يک بحران جديد می‌شود که بر بحران‌های پيشين افزوده می‌گردد. جمهوری اسلامی هيچ راه‌حلی برای بحران‌های جامعه ايران ندارد. اين بحران‌ها در همان حال که مردم ايران را برای سرنگونی جمهوری اسلامی مصمم‌تر می‌سازند، شکاف‌های درون طبقه حاکم را عميق‌تر می‌کنند. اختلاف بر سر جنگ و لشکرکشی جناح‌ها عليه يکديگر، تنها يک نمونه از ده‌ها بحران رژيمی است که هيچ چشم‌انداز بقائی ندارد.

رژیم جمهوری اسلامی
را باید با یک اعتصاب عمومی
سیاسی و قیام مسلحانه بر انداخت.

از صفحه ۱

به‌خاطر حقوق پایان ماه

ممکن و تکرارپذیر می‌کند.
آزار جنسی در محیط کار رفتاری با ماهیت جنسی است که در جریان کار یا به‌واسطهٔ رابطهٔ کاری بر زن تحمیل می‌شود و به آسیب جسمی، روانی، جنسی یا اقتصادی او می‌انجامد یا احتمال آن را دارد. اما این تعریف وقتی به زندگی روزمره برمی‌گردد، شکل‌های تدریجی و نامحسوس‌تری به خود می‌گیرد. آزار جنسی لزوماً با درخواست صریح رابطهٔ جنسی یا تعرض فیزیکی آغاز نمی‌شود؛ گاهی رفتارهایی که در ظاهر صمیمانه یا دوستانه به نظر می‌رسند، در بستر رابطهٔ نابرابر قدرت، به ابزاری برای تعرض تدریجی به حریم خصوصی زنان تبدیل می‌شوند. این همان «خشونت اقتصادی» است: وقتی مزد و امنیت شغلی زن در اختیار کارفرماست، همین وابستگی به ابزاری برای تحمیل خواسته‌های "نامشروع" تبدیل می‌شود. خشونت جنسی و خشونت اقتصادی در محیط کار دو روی یک سکه‌اند: وابستگی به مزد می‌تواند ابزار فشار جنسی شود و آزار نیز می‌تواند به از دست رفتن درآمد و فرصت شغلی بینجامد.
گاهی آزار از همان مرحلهٔ استخدام شروع می‌شود. در دو گزارش روزنامهٔ شرق در سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵، زنانی روایت می‌کنند که در مصاحبه از آن‌ها دربارهٔ «داشتن رابطهٔ عاطفی، وزن و قد و امکان شب بیرون ماندن» پرسیده شده و حتی «چند عکس» خواسته‌اند. یکی می‌گوید در پاسخ به درخواستش برای کار، به او گفته‌اند «باید بعضی شب‌ها هم در خدمت صاحب‌کار باشی». این‌جا آزار پیش از آن که در محیط کار رخ دهد، درِ ورود به کار را می‌بندد یا آن را مشروط می‌کند. وقتی زنی پس از چنین برخوردی از یک فرصت شغلی می‌گذرد، هزینهٔ آن نه در آمار رسمی بیکاری دیده می‌شود و نه در شکایتی ثبت می‌شود.
پس از اعتراض، سرنوشت زنان یکسان نیست. گزارش «اعتراض کردیم، اخراج شدیم»، در آبان ۱۴۰۴، چهار مسیر را کنار هم می‌گذارد: «یکی اعتراض می‌کند و از محیط کار اخراج می‌شود، آن یکی با کوهی از اتهامات مواجه می‌شود. دیگری مجبور به ماندن و تحمل شرایط سخت و انگـزنی‌ها می‌شود و یک نفر دیگر، در انتظار فرصت شغلی دیگری است تا استعفا دهد و برود». این چهار مسیر، شکل‌های مختلف یک فشارند: اخراج، اتهام، ماندن اجباری و استعفای ناخواسته. در هر چهار حالت، هزینهٔ اعتراض عمدتاً بر دوش زنی می‌ماند که آزار را تجربه کرده است، نه بر دوش آزارگر. این روایت‌ها به زنان کارگر یا کم‌درآمد محدود نمی‌شود؛ زنانی که در موقعیت‌های حرفه‌ای و اجتماعی بالاتری هستند هم در برابر این نوع خشونت بی‌دفاع‌اند.
پرسش معاش در همهٔ این مسیرها حاضر است. در بهار ۱۴۰۵، نرخ بیکاری زنان فعال اقتصادی ۷ / ۱۶ درصد و نرخ بیکاری مردان ۵ / ۷ درصد بود؛ فقط ۷ / ۱۳ درصد زنان ۱۵ساله و بالاتر شاغل یا جویای کار بودند. این آمار زنانی را دربرنمی‌گیرد که از کاریابی در بازار رسمی کار ناامید شده و از راه‌های دیگری در صدد کاریابی هستند. برآوردهای داخلی نشان می‌دهند در سال ۱۴۰۲ حدود سه نفر از هر ده نفر زیر خط فقر زندگی می‌کردند؛ هزینهٔ حداقلی زندگی یک خانوار متوسط در پایان تیر ۱۴۰۵ حدود ۹۰ میلیون تومان در ماه برآورد شد و تورم سالانه در دوازده ماه منتهی به مهر ۱۴۰۵ به ۸ / ۷۶ درصد رسید. وقتی مزد هم‌پای قیمت‌ها بالا نمی‌رود و پس‌اندازی نمی‌ماند، زن ناچار می‌شود میان حفظ درآمد و دور ماندن از آزارگر یکی را انتخاب کند. اگر اخراج شود یا پیش از یافتن کار تازه استعفا بدهد، ممکن است به همسر یا خانواده وابسته شود و بخشی از اختیاری را که درآمد مستقل به او داده بود از دست بدهد.
هزینه برای همه یکسان نیست. زنی که در خانهٔ کارفرما نظافت می‌کند یا در کارگاهی کوچک بدون قرارداد مکتوب کار می‌کند، برای اثبات رابطهٔ کاری، یافتن شاهد یا پیگیری شکایت با موانع بیش‌تری روبه‌روست. کسی که برای تنظیم شکایت کتبی به کمک نیاز دارد، مانع دیگری پیش رو دارد. معلولیت یا تبعیض ملی گزینه‌های شغلی را محدودتر می‌کند و برای زن مهاجری که اقامتش به کار وابسته است، قطع همکاری همزمان درآمد و امکان ماندن را به خطر می‌اندازد.
مسیر قانونی هم راه کوتاهی نیست. زنی که پس از اعتراض اخراج می‌شود می‌تواند از مسیر عمومی حل اختلاف کار به اخراج اعتراض کند و اگر هیأت حل اختلاف اخراج را ناموجه بداند، حکم بازگشت به کار و پرداخت "حق‌السعی" صادر می‌شود. اما قانون کار برای رسیدگی به خودِ آزار جنسی و حمایت از شاکی و شاهدان در برابر تلافی، از جمله تمدید نکردن قرارداد به دلیل اعتراض، سازوکار مشخصی ندارد. تازه حتی اگر زن حکم بازگشت بگیرد، به کدام محیط کار برمی‌گردد؟ ممکن است دوباره زیر نظر همان مدیر آزارگر باشد.
جمهوری اسلامی از طریق قوانین و رویه‌های زن‌ستیزانه‌اش در بازتولید تبعیض جنسیتی و فراهم کردن زمینه تکرار آزار نقش برجسته‌ای دارد. تبعیض علیه زنان در ساختار دینی و زن‌ستیز حکومت ریشه دارد و در قواعدی دیده می‌شود که اختیار زنان بر پوشش و کارشان را محدود می‌کنند. این منطق در شیوه استخدام و ارزیابی کارکنان و رسیدگی به شکایت‌ها نیز ادامه پیدا می‌کند. وقتی مرجع رسیدگی به‌جای بررسی رفتار آزارگر، پوشش، لحن یا رفتار زن را زیر سؤال می‌برد، زن باید علاوه بر شرح آن‌چه رخ داده، از آبرو و اعتبار خود نیز دفاع کند. در بخش دولتی، شکایت از مدیر ممکن است در همان سلسله مراتبی بررسی شود که درباره موقعیت شغلی زن تصمیم می‌گیرد. این رویه‌ها پیگیری آزار را برای زن دشوارتر می‌کنند و به مدیری که همچنان بر شرایط کار او اختیار دارد مجال می‌دهند رفتارش را تکرار کند.
وقتی مدیریت هم بر رسیدگی و هم بر موقعیت شغلی زن اختیار دارد و دولت نیز خود یکی از طرف‌های این مناسبات علیه زنان است، شکایت فردی راه به جایی نمی‌برد. در ایران، ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری و تشکل‌های مدافع حقوق زنان ممنوع است و فعالان صنفی زیر پیگرد، بازداشت و احکام زندان‌اند؛ پس مسئلهٔ اول، مبارزه برای حق تشکیل تشکل مستقل و انتخاب آزادانهٔ نماینده در واحدهای اداری، صنعتی و خدماتی است، و پذیرش مسئولیت نمایندگی بدون خطر اخراج، بازداشت یا پیگرد. اما این مبارزه بدون نقش‌گیری زنان ناقص می‌ماند. اما حتا اگر در شرایط خاصی، حق تشکل‌یابی به دست آید و زنان در شورای اجرایی و دیگر نهادهای تصمیم‌گیر آن حضور مؤثر نداشته باشند و در تعیین اولویت‌ها نقش نگیرند، آزار ممکن است به «کمیتهٔ زنان» یا بندی تشریفاتی فروکاسته شود و در عمل از دستور کار بیرون بماند. بنابراین مبارزه برای حق تشکل‌یابی و مبارزه برای نقش‌گیری زنان در تشکل‌های مستقل، دو مبارزهٔ هم‌زمان‌اند، نه یکی پس از دیگری. مقابله با آزار هم باید در کنار دیگر مطالبات پیگیری شود، چون همین مطالبات پیش‌شرط کاهش آزارند. زنی که مزد و امنیت شغلی دارد، کمتر ناچار می‌شود برای «حقوق پایان ماه» در محیط آزاردهنده بماند.
تجربه نشان داده است که تا این رژیم ارتجاعی دینی پابرجاست، مطالبات دموکراتیک و آزادی‌های سیاسی دست‌نیافتنی می‌مانند و فجایع در جامعهٔ ایران هر روز ابعاد گسترده‌تری می‌یابند. در این میان، زنان از جمله کسانی‌اند که بیشترین آسیب را می‌بینند. از این رو، سرنگونی این رژیم، جدایی کامل دین از دولت و تصرف قدرت سیاسی توسط کارگران و زحمتکشان، شرط لازم تحقق این مطالبات و آزادی‌هاست.



شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

پیام شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست به کنفرانس چهارم شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان

با درودهای کمونیستی

رفقای عزیز! شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست برگزاری کنفرانس سالانهٔ شما در استکهلم – سوئد را صمیمانه تبریک گفته و برایتان آروزی موفقیت دارد. برگزاری این کنفرانس دو روزه در شرایطی صورت می‌گیرد که جامعه از یک سو با تب و تاب خیزش‌های اجتماعی مواجه است و در سوی دیگر، از تشتت و پراکندگی حاکم بر جنبش چپ و کمونیستی ایران در رنج است. از این رو برگزاری این کنفرانس را باید گامی در مسیر پاسخگویی به نیازهای انقلابی جامعه در سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و حرکتی امیدبخش برای انسجام درونی نیروهای چپ و کمونیست کردستان علیه احزاب، سازمان‌ها و جریانات راست و ناسیونالیست طرفدار دخالت نظامی آمریکا به حساب آورد.

رفقای عزیز! برگزاری کنفرانس سالانه‌تان با توجه به شرایط «نه جنگ و نه صلح» که به واقع تداوم جنگ ۴۰ روزهٔ میان آمریکا و جمهوری اسلامی‌ست - جنگی که بیش از هر زمان دیگری معیشت کارگران و زحمتکشان را نشانه گرفته است – حاکی از اهمیت برگزاری این کنفرانس در این بازهٔ زمانی سرنوشت‌ساز است. وضعیتی خطیر، هم برای کارگران و توده‌های زحمتکش ایران که برای سرنگونی انقلابی رژیم خیز برداشته‌اند، و هم برای حاکمان اسلامی که به صورت روزانه با بحران‌های بزرگ اجتماعی نظیر بحران رکود – تورمی، ورشکستگی اقتصادی، نبود یک رهبری قدرتمند و عدم انسجام درونی برای تصمیم‌گیری واحد در مورد جنگ و مذاکره درگیر است.

دوران‌های خطیر، لازمه‌اش تصمیم گیری‌های خطیر است. بر کسی پوشیده نیست، جنبش انقلابی مردم کردستان همواره دین خود را به جنبش سراسری توده‌های مردم ایران ادا کرده است. وقوف به این امر ایجاب می‌کند تا بیش از هر زمان دیگری بر انسجام درونی نیروهای چپ و کمونیست کردستان علیه ناسیونالیسم پروغرب و همبستگی مبارزاتی آنان با جنبش سراسری طبقهٔ کارگر و دیگر جنبش‌های اجتماعی در این برههٔ سرنوشت‌ساز تأکید کنیم.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست بار دیگر برگزاری کنفرانس سالانهٔ شما رفقای عزیز را تبریک می‌گوید و موفقیت این کنفرانس را در رسیدن به تمامی اهداف تعیین شدهٔ در چارچوب برنامه عمل شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان - که همانا پیشروی به سوی تحقق یک انقلاب اجتماعی، برقراری حاکمیت شورایی کارگران و زحمتکشان و رهایی از ستم ملی طبق بند نهم سند سیاسی کنفرانس ۲۰۱۸ استکهلم است – آرزو دارد.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست
شنبه ۱۴ نوامبر ۲۰۲۶ مطابق با ۲۳ آبان ۱۴۰۵

جان کارگران، قربانی بی‌مسئولیتی و سیاست‌های ضدکارگری جمهوری اسلامی!

در پی واژگونی یک دستگاه اتوبوس حامل کارگران و کارکنان شرکت‌های نفتی در محور دهلران ـ آبدانان، دستکم ۱۲ نفر جان باخته و ۲۰ نفر مصدوم شده‌اند.

بر اساس گزارش های اولیه روح‌الله علیجانی، محمد رحیمی، سجاد نصرالهی، لطف‌الله مرادی، فریبرز هادیزاده، اشکان راد و نورمحمد صفا ـ راننده اتوبوس - از جمله جان باختگان این فاجعه بوده‌اند.

این فاجعه تلخ، بار دیگر چهره ضدانسانی نظامی را آشکار می‌کند که جان و امنیت کارگران در آن همواره قربانی سودجویی پیمانکاران، بی‌مسئولیتی کارفرمایان و سیاست‌های ارتجاعی و ضدکارگری حاکمیت می باشد.

وقتی کارگران برای تأمین معاش ناچارند هر روز با وسایل حمل‌ونقل ناایمن، در جاده‌های خطرناک و بدون تضمین ابتدایی‌ترین استانداردهای ایمنی رفت‌وآمد کنند، وقوع چنین فجایعی نه یک اتفاق تصادفی، بلکه نتیجه مستقیم مناسباتی است که سود سرمایه را بر جان انسان مقدم می‌شمارد.

این اولین بار نیست که کارگران و دیگر زحمتکشان ایران قربانی چنین حوادث مرگباری می شوند و آخرین بار هم نخواهد بود.آنچه خطرناک است و باید در مقابلش ایستاد، این است که وقوع چنین حوادثی به امری عادی در جامعه تبدیل شود.
سازمان فدائیان (اقلیت) جمهوری اسلامی، سرمایه‌داران و تمامی نهادهای ذی ربط را به دلیل فقدان نظارت و تأمین امنیت جانی نیروی کار مسئول این فاجعه و دیگر فجایعی از این دست می‌داند و خواهان رسیدگی فوری، شفاف و مستقل به علل این فاجعه و معرفی و مجازات مسببان آن است.
جان کارگر نباید بهای سود پیمانکاران و بی‌کفایتی حاکمان باشد!

امنیت شغلی، ایمنی محیط کار و حق برخورداری از حمل‌ونقل استاندارد، حق مسلم کارگران است، نه امتیازی که بتوان از آنان دریغ کرد.

سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن گرامی داشت یاد و خاطره کارگران و کارکنان جانباخته این فاجعه ، همدردی خود را با خانواده‌های داغدار و کارگران مصدوم اعلام می دارد

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورایی
سرنگون باد نظام سرمایه‌داری
زنده باد آزادی – زنده باد سوسیالیسم
سازمان فدائیان (اقلیت)
۲۳ آبان ۱۴۰۵

کار، نان، آزادی – حکومت شورایی

از صفحه ۱۰

باید نقطه پایانی بر این نظم ظالمانه گذاشت

بحران کم‌آبی روبروست که تأثیر ویرانگری بر این بخش گذاشته است. کافی‌ست در نظر داشته باشیم که در سال ۸۴ تعداد شاغلین بخش کشاورزی حدود ۱/ ۵ میلیون نفر بود، اما در بهار ۱۴۰۵ به حدود ۳ میلیون و ۷۳۰ هزار نفر رسید.

براساس گزارش بانک جهانی رشد تولید ناخالص داخلی سال گذشته منفی ۹/ ۰ درصد بود که در سال جاری پیش‌بینی می‌شود به منفی ۷/ ۷ درصد برسد. ادامه روند کنونی اما می‌تواند وضعیت اقتصادی را از این هم وخیم‌تر کند.

اما همان‌طور که در ابتدا گفتیم، سرمایه‌داران بار این بحران را با همراهی دولت بر دوش کارگران و دیگر زحمتکشان می‌اندازند. در دوره مورد بحث که شرکت‌های بورسی در مجموع ۶/ ۱۰ درصد کاهش تولید داشتند، قیمت محصولات تولیدی آن‌ها ۴/ ۱۳۰ درصد افزایش یافت. به عبارت دیگر در حالی که تولید کاهش یافت، درآمد و سود سرمایه‌داران به شدت افزایش یافت. برای نمونه گزارش مالی عملکرد پتروشیمی اصفهان که در ۱۷ آبان انتشار یافت نشان می‌دهد که به رغم کاهش حدود ۳۵ درصدی تولید و ۵۰ درصدی صادرات، مهرماه سال‌جاری نسبت به مهر ۱۴۰۴، فروش آن ۲/ ۱۶۵ درصد افزایش داشته است. به عبارت دیگر در این مدت محصولات پتروشیمی اصفهان بالای ۲۰۰ درصد افزایش قیمت داشته‌اند، گرانی و تورمی که دستمزد بسیار ناچیز کارگران را می‌بلعد.

افزایش سود و درآمد شرکت‌های تولیدکننده تایر ماشین یک نمونه روشن دیگر است. شرکت بارز کرمان به رغم کاهش ۴۳ درصدی تولید و ۳۰ درصدی فروش، درآمدش ۳۹ درصد افزایش داشته است. کارخانه ایران تایر به‌رغم کاهش ۳۵ درصدی تولید، درآمدش بیش از ۷۶ درصد افزایش یافت. در مجموع گروه بورسی لاستیک و پلاستیک در شش ماهه اول سال ۱۴۰۵ به‌رغم کاهش ۳۴ درصدی تولید و کاهش ۲۵ درصدی مقدار (فیزیکی) فروش، ۵۴ درصد افزایش درآمد را ثبت کرده‌اند. متوسط درآمد این شرکت‌ها به‌ازای هر تُن فروش از حدود ۱۹۱ میلیون تومان با ۱۴۱ درصد افزایش به ۴۶۰ میلیون تومان رسید. نه فقط درآمد شرکت‌ها بلکه سود خالص آن‌ها نیز به شدت افزایش یافت. برای نمونه براساس گزارش مالی شش ماهه ایران تایر که در ۲ آبان منتشر گردید، سود خالص شرکت از ۳۶ میلیارد تومان در شش ماهه اول سال ۱۴۰۴ به ۸۲۱ میلیارد تومان رسید. به عبارتی دیگر به‌رغم کاهش ۳۵ درصدی تولید، سود خالص شرکت ۲۱۶۸ درصد افزایش یافت!

برای کارگران و زحمتکشان اما سود بیشتر سرمایه‌داران و غرق شدن آن‌ها در ثروت برابر با فقر بیشتر و گرانی و تورم سرسام‌آور بوده است. جدا از تورم دهشتناک کنونی که کارگران و زحمتکشان را به فلاکت کشانده است، بیکاری یکی دیگر از نتایج ویرانگر شرایط وخیم اقتصادی و تشدید بحران اقتصادی رکود – تورمی برای مردم ستمدیده ایران است.

بیکاری

به‌گفته‌ی مالک حسینی معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در صورت تداوم وضعیت کنونی (رشد اقتصادی منفی ۷ تا ۸ درصد) تا پایان سال بین ۲/ ۱ میلیون تا ۴/۱ میلیون شغل از بازار کار رسمی کشور حذف خواهند شد. وی با اذعان به این‌که ۴۶ درصد شاغلان در ایران در بازار رسمی و ۵۴ درصد در بازار غیررسمی مشغول به کار هستند و در اثر جنگ و عواقب آن بخش غیررسمی آسیب‌های بیشتری دیده است، می‌گوید: "اگر بخواهیم همین امروز به صورت نقطه‌به‌نقطه وضعیت را بسنجیم، بیش از یک میلیون شغل از دست رفته است. به عبارت دیگر، جمعیت شاغلان کشور از حدود ۲۴ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر، در انتهای بهار ۱۴۰۵ به حدود ۲۳ میلیون و ۵۰۰ تا ۲۳ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر کاهش پیدا کرد". اما واقعیت این است که وضعیت بسیار وخامت‌بارتر از این آمار است و این را از جمله می‌توان حتا از سخنان وی در گفتگو با خبرگزاری دولتی "ایلنا" به تاریخ ۸ آبان پی برد.

او در بخشی از این گفت‌وگوی طولانی می‌گوید: "اخیراً بررسی متمرکزی روی صنعت پوشاک داشتیم. بر اساس جلسات و گفت‌وگوهایی که با فعالان این صنف برگزار شد، برآورد این بود که در صورت عدم تأمین مواد اولیه تا پایان سال جاری نسبت به وضعیت پیش از جنگ (اسفندماه سال گذشته)، بازار پوشاک کشور در حلقه تولید و زنجیره عرضه نزدیک به ۶۰ درصد آسیب ببیند. خروجی مدل تحلیلی ما نشان می‌دهد که در صورت تحقق این سناریو و وارد آمدن آسیب ۶۰ درصدی، ممکن است تا ۷۵۰ هزار نفر در این کسب‌وکار دچار ریزش شوند. در صنعت پوشاک ما یک بخش رسمی داریم و یک بخش بزرگ غیررسمی؛ برآوردهای عمومی از کل شاغلان این حوزه بین یک میلیون و ۲۰۰ تا یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر است".

وقتی تنها در بازار پوشاک ما شاهد ریزش ۷۵۰ هزار نفری نیروی کار – در صورت ادامه این وضع تا پایان سال – خواهیم بود، آنگاه می‌توان به ابعاد خطرناک بیکاری کارگران شاغل در صورت ادامه وضع موجود پی برد.

دولت سرمایه‌داران دشمن کارگران

در حالی که مردم ایران مخالف جنگ هستند، جمهوری اسلامی همچنان بر طبل جنگ می‌کوبد. این سیاست جدیدی در جمهوری اسلامی نیست، جمهوری اسلامی در طول حیات خود همواره سیاست پُرتنشی در روابط بین‌الملل داشته که بارها به جنگ منتهی شده است. علت آن نیز به ماهیت آن برمی‌گردد. جمهوری اسلامی در همان‌حال که دولت سرمایه‌داران است، یک دولت دینی هژمونی‌طلب نیز می‌باشد و همواره به دنبال گسترش نفوذ خود در منطقه و کشورهای دیگر بوده است. تاریخ به یاد دارد که جمهوری اسلامی از همان ابتدا موضوع "صدور انقلاب اسلامی" را با شعار "راه قدس از کربلا می‌گذرد" در هم آمیخته بود و بعد از مرگ خمینی نیز همان سیاست حتا پس از سرنگونی صدام حسین با شدت بیشتری ادامه یافت. جنگ داخلی سوریه باز موقعیت جدیدی برای جمهوری اسلامی به‌منظور گسترش حیطه‌ی نفوذ خویش فراهم آورد. اما در پی تحولات سال‌های اخیر (پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ برابر با ۱۵ مهر ۱۴۰۲) جنگ مستقیم میان دولت‌های ارتجاعی اسرائیل ، آمریکا و جمهوری اسلامی شکل گرفت که نتایج بسیار مخربی برای کارگران و دیگر زحمتکشان ایران داشته است. جنگی که همچنان ادامه دارد و هنوز هیچ چشم‌انداز روشنی برای پایان آن وجود ندارد، شرایطی که بیشتر به یک بن‌بست شبیه است.

تأثیرات ویرانگر جنگ و سیاست‌های جمهوری اسلامی را امروز همگان به عینه می‌بینند. اما این تنها یک طرف ماجراست. طرف دیگر ماجرا این است که جمهوری اسلامی، دولت حامی سرمایه‌داران حتا از این شرایط نیز برای بهره‌کشی هر چه بیشتر از کارگران و خالی کردن باز هم بیشتر سفره توده‌های زحمتکش جامعه بهره می‌برد. از طرح‌هایی مانند "اشتغال عمومی" که بکارگیری کارگران بدون بیمه و با دستمزدی حتا پایین‌تر از حداقل دستمزد مصوبه "شورای عالی کار" را رسمیت می‌بخشد، تا افزایش بهای آرد و نان، برق، گاز، آب و کاهش سهمیه گازوئیل و بنزین و طرح‌های دیگری که در این رابطه در مراحل نهایی تصمیم‌گیری قرار دارند. جمهوری اسلامی به جای آن‌که در شرایط جنگی به فکر تأمین حداقل‌های مورد نیاز مردم باشد، به فکر این است که چگونه می‌تواند بیشتر از گذشته دست در جیب آن‌ها کند.

جمهوری اسلامی همواره همین بوده که امروز می‌بینیم. رژیم هیچ گاه در راستای منافع کارگران و دیگر زحمتکشان سیاستی اتخاذ نکرده است و تا زمانی که بر سریر قدرت باشد پاشنه‌ی در به نفع کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه نخواهد چرخید. کارگران و زحمتکشان باید سرنوشت خود را خودشان در دست بگیرند. نگذارند مشتی دزد و فاسد و جنایتکار برای زندگی آن‌ها و فرزندان‌شان تصمیم بگیرند و این وضعیت وحشتناک را به آن‌ها تحمیل کنند. تنها راه سرنگونی نظم ظالمانه‌ی موجود و برقراری حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان است. حکومتی توسط آن‌ها، حکومتی برای آن‌ها.



از صفحه ۱

باید نقطه پایانی بر این نظم ظالمانه گذاشت

درآمدهای صادراتی بر واردات کالا، محاصره دریایی منجر به کاهش شدید واردات مواد اولیه مورد نیاز صنایع شده است، بسیاری از صنایع ایران مستقیم و غیرمستقیم به شدت به واردات مواد اولیه و قطعات وابسته هستند. بدیهی‌ست که با ادامه روند کنونی به دلیل وابستگی بسیاری از صنایع به واردات، با پایان یافتن مواد اولیه ذخیره شده در برخی از صنایع، شرایط از آنچه که امروز هست بدتر خواهد شد.

براساس گزارشی که پژوهشکده پولی و بانکی ایران منتشر کرده است، تولید شرکت‌های بورسی در مردادماه سال‌جاری نسبت به مرداد ۱۴۰۴، در مجموع ۶/ ۱۰ درصد کاهش یافته است. بیشترین کاهش مربوط به صنایع خودرو و قطعات با ۳/ ۳۹ درصد، منسوجات با ۱/ ۳۷ درصد، لاستیک و پلاستیک با ۳۷ درصد، صنایع شیمیایی با ۲/ ۲۵ درصد، دستگاه‌های برقی با ۷/ ۲۱ درصد و محصولات فلزی با ۴/ ۱۴ درصد می‌باشد.

به‌گفته‌ی رئیس انجمن صنعت تایر به دلیل تحریم و مشکلات در تامین مواد اولیه این صنعت با بحران جدی مواجه بوده و تاکنون منجر به کاهش ۴۰ درصدی تولید شده است. این را هم در نظر داشته باشیم که جنگ و محاصره دریایی از اسفندماه شدت گرفت و بنابراین عمده این کاهش‌ها نتیجه‌ی ۵ ماه آخر منتهی به مرداد است. جدا از بخش صنعت، بخش کشاورزی نیز با

درصفحه ۹



بینندگان گرامی تلویزیون دمکراسی شورایی، رفقا و همراهان گرامی!

ساعت پخش برنامه های تلویزیون دمکراسی شورایی از ماهواره آلترناتیو شورایی از تاریخ جمعه ۱۰ مرداد ۱۴۰۵ برابر با اول آگوست ۲۰۲۶ تغییر خواهد کرد. ساعت پخش برنامه‌ها ی ما از دهم مرداد به این قرار خواهد بود:

تلویزیون دمکراسی شورایی برنامه‌های روزانه خود را به مدت ۹۰ دقیقه هفت روز هفته از شنبه تا جمعه، از ساعت شش تا هفت و نیم عصر به وقت ایران پخش می‌کند. در طول روز برنامه‌ها دو بار در ساعت دو تا سه و نیم صبح و ده تا یازده ونیم صبح باز پخش و تکرار خواهند شد.

برنامه های تلویزیون دمکراسی شورایی روی شبکه تلویزیون آلترناتیو شورایی از ماهواره "یاه ست" پخش می‌شود (Yahsat).

برنامه‌های تلویزیون دمکراسی شورایی را همچنین می‌توانید از سایت سازمان فدائیان(اقلیت)، شبکه‌های اجتماعی فیس بوک، تلگرام ، یوتیوب و سایت تلویزیون دمکراسی شورایی نیز دریافت کنید.

آدرس تلویزیون دمکراسی شورایی در شبکه‌های اجتماعی :
آدرس یوتیوب: tvshora1349
فیس بوک: Tvshora
تلگرام: t.me/tvshora
شماره واتس آپ برای پیامهای صوتی و نوشتاری:
۰۰۳۱۶۴۴۶۶۴۴۰۵
0031644664405
آدرس تماس ای میل :
tvshorashora@gmail.com
سایت تلویزیون :
www.Tvshora.com

مشخصات ماهواره ای شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی:
Alternative Shorai
Satellite:Yahsat
Frequency:12594
Polarization:Vertical/ عمودی
Symbol Rate:27500
FEC:2/3

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورایی

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیرارسال نمائید.

سوئیس:
Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما برروی اینترنت:

https://www.fadaian-minority.org

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

https://t.me/karfadaianaghaliyat
آدرس کانال سازمان در تلگرام:
http://T.me/fadaian_aghaliyat
آدرس سازمان در اینستاگرام:
https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/
آدرس سازمان در تویتر
https://twitter.com/fadaiana

آدرس سازمان در فیس بوک
https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat

آدرس نشریه کار در فیس بوک
https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat

ای میل تماس با نشریه کار:
kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 1195 November 2026